گزارش «شرق» از بازار موبایل علاءالدین ۵ ماه پس از پلمب

علاءالدین همه را راضی کرده است

فاطمه جمال‌پور

«حاج علاءالدین یه‌دونه‌س»: این را می‌گوید و جواب مشتری‌هایش را می‌دهد. تلفنی شماره کارت بانک را می‌گوید و بعد تاکید می‌کند که «۹۹درصد شهرداری مقصر است. فقط با زندگی یک عده جوان بازی کردند. همه را آواره کردند، الان هم که رأی دارد برمی‌گردد. در هیچ جای تهران نمی‌شود آجر روی آجر بگذارید و شهرداری کاری نداشته باشد، حالا چطور می‌شود در مرکز تهران در مرکزی تجاری، دوهزار متر تجاری بدون مجوز ساخته شده باشد و شهرداری نفهمیده باشد؟ حاجی تمام مجوزها را گرفته بود. اسنادش هم هست.» اینها صحبت‌های یکی از کاسبان متضرر در جریان تخریب و پلمب طبقه هفتم بازار موبایل است.

اینجا طبقه ششم بازار موبایل علاءالدین است. پنج ماه پس از پلمب. راه پله‌برقی در انتها می‌رسد به ایرانیتی که مسیر رسیدن به طبقه هفتم؛ طبقه دردسرساز را مسدود کرده و برچسب‌های زردرنگ پلمب روی در واحدهای تجاری هنوز خودنمایی می‌کنند.

چندی‌پیش تندگویان، نایب‌رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شهرداری، از توقف تخریب پاساژ علاءالدین خبر داده بود و حالا حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، رئیس دیوان عدالت اداری، درخصوص آخرین وضعیت پرونده علاءالدین، گفته: کارهای کارشناسی در این پرونده رو به اتمام است و به‌زودی رأی نهایی صادر می‌شود.

وی درخصوص توقف تخریب طبقه هفتم مجتمع علاءالدین که این روزها به‌عنوان یکی از اخبار مهم در مطبوعات منتشر شده است گفته: «این روال قانونی رسیدگی به پرونده‌های مطرح‌شده در دیوان عدالت اداری است. در این پرونده از آنجایی که طرف پرونده تقاضای صدور دستور موقت کرده بود، فعلا کار تخریب متوقف شده است، اما پس از صدور رأی، شاهد اجرای آن خواهیم بود.»

حالا اینکه رأی چه باشد، مشخص نیست. پنج ماه پیش روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها نوشتند شاخ غول علاءالدین شکست. در میانه دعوای شهرداری و علاءالدین، صاحب پاساژ، ۱۱۰واحد طبقه هفتم پاساژ علاءالدین شامگاه پنجشنبه پلمب شد. ۱۱۰واحدی که به گفته کسبه، مالک بدون هیچ سندی به آنها فروخته بود. رضا علاءالدین، مالک این پاساژ، از ابتدای سال ۹۳ فروش ۱۱۰ واحد طبقه هفتم را شروع می‌کند. واحدها از ۸۰۰ میلیون تا یک‌میلیاردو۳۰۰میلیون تومان به‌صورت اقساط واگذار شد. کسبه می‌گویند هنگام خرید، مالک نامه‌ای را به آنها نشان داده که می‌گوید با شهردار منطقه برای ساخت این واحد توافق کرده است.

در آن روزها کاسب‌ها که یک‌شبه دارایی‌شان را از دست داده بودند، از ظلم‌هایی می‌گفتند که در پاساژ به آنها روا داشته می‌شود، از شارژ پنج میلیون تومانی تا خرید بدون سند و مدرک واحدهای پلمب‌شده، اما این روزها آنها حرف‌های دیگری می‌زنند، دیگر کسی لب به گله و شکایت از حاجی باز نمی‌کند، گویا حاجی همه را راضی کرده است.

طبقه به طبقه بازار موبایل را که بالا می‌آیی، بافت پاساژ عوض می‌شود. در طبقات بالا خبری از مغازه‌های دردار نیست. واحدها با یک میز از فضای پاساژ جدا می‌شوند. در هر واحد چند کاسب مشغول کاراند. این طرف و آن طرف، خریداران و فروشنده‌ها در فضای پاساژ سیگار می‌کشند، فروشنده‌های دوره‌گرد لیموناد و غذا به دست مشتری‌ها می‌دهند و در هر ساعت از روز اینجا می‌توان ازدحام جمعیت و خریداران را دید. رد کاسبان متضرر را می‌توان به‌راحتی در پاساژ پیدا کرد. یکی از آنها مرد میان‌سالی است که در واحد دومتری مشغول کاسبی است و سرش حسابی شلوغ است. می‌گوید: «حاجی همه را راضی کرد. یک عده پول گرفتند، یک‌سری هم مغازه و عمده‌فروش‌ها هم انبار و ما از روز اول هم گفتیم از صاحب ملک هیچ شکایتی نداریم. ما چون جزء مقربین درگاه بودیم، مغازه گرفتیم. بعد هم ما این مغازه‌ها را قسطی خریدیم، خدایی کاری نداریم؛ طوری که ما خریدیم، هیچ‌جا به ما مغازه نمی‌دادند. سر قضیه پلمب و تخریب ضرر زیادی کردیم؛ هزینه دکور و کاسبی که تا عید خوابیده بود. ۹۰ تا مغازه طبقه بالا بود و طبعا هیچ کسی مانند علاءالدین، نمی‌توانست یک‌شبه به همه کاسبان بالا جا بدهد. ما خودمان از عید اینجا مستقر شدیم. دو، سه‌ماه طول کشید. همه ضرر کردند؛ چه علاءالدین، چه ما. یک عده هم هنوز هیچ چیز نگرفتند؛ نه پول و نه مغازه. این‌قدر به حاجی اعتماد داشتند که منتظر رأی دیوان‌اند».

فروشنده دوم مرد مسنی است، موهای جلوی سرش ریخته، با چند جوان در یک فضای شش متری مشغول کاسبی است. می‌گوید: «حاجی گفت یا پولتان را بگیرید یا صبر کنید به شما مغازه می‌دهم. ما پولمان را گرفتیم و آمدیم اینجا، بعد هم دیوان رأی به توقف تخریب داده و نه فک پلمب. ما می‌توانستیم پولمان را بگیریم یا صبر کنیم ببینیم تکلیف چه می‌شود».

می‌پرسم: «چقدر پول گرفتید؟ چقدر در مجموع پرداخت کرده بودید؟» جواب می‌دهد: «این را که نمی‌گویم. اینها قراردادی است. تو روزنامه که نباید مبلغ‌ها را بنویسید، مابین فروشنده و خریدار توافق می‌شود». «اما گفته می‌شود بین ۷۰۰ تا یک میلیارد و یک‌میلیارد و ۲۰۰ به اقساط خریده‌اید؟» «حتما همان است؛ دیگر بعضی‌ها قسطی خریدند، برخی نقدی». می‌پرسم چقدر ضرر کردید؟ می‌گوید: «هیچی». در حال رفتنم که مرد جوان کناردستی‌اش می‌گوید: «ما زرنگیم، ضرر نمی‌کنیم».

فروشنده بعدی مرد جوان فربه‌ای است که با سه فروشنده دیگر، یک خانم و دو آقا، مشغول به کار است. می‌گوید: «ما پولمان را نگرفتیم، منتظر ماندیم مغازه‌مان را پس بگیریم». می‌پرسم: چقدر پول پرداخت کرده بودید؟ به تأکید می‌گوید: سه تومن؛ سه میلیارد تومن. شش‌ماهه پولمان خوابیده، البته همین صاحب پاساژ گفت بیایید پولتان را بگیرید اما ما نگرفتیم. من سه واحد داشتم و منتظرم مغازه‌ام را پس بگیرم. هیچ‌کس از کاسبان شکایت نکردند. شکایت ندارد».

در این ۶ ماه چه کار کردید؟

«یک مغازه بهمان دادند تا ببینیم تکلیف چه می‌شود. ۹۰ تا مغازه بالاست و فقط شش، هفت نفر مثل ما پولشان را نگرفتند، مابقی پولشان را گرفتند. هیچ‌کس هیچ‌چیز نمی‌داند. منتظریم.»

خیلی‌ها حرف نمی‌زنند و تنها می‌گویند: «ما هیچ‌چیز نمی‌دانیم، منتظریم.» مردی میانسال می‌آید جلو و کارتش را نشان می‌دهد. خودش را بازرس معرفی می‌کند و می‌گوید: «اینجا همه دروغ می‌گویند، حرف‌هایشان را ۱۸۰ درجه بچرخانید تا راست شود».مرد قدبلند موجوگندمی در حال عبوری را نشان می‌دهند که این هم جزء فروشندگان طبقه هفتم بوده. می‌گوید: «منتظریم برویم بالا، شما این‌طور باید بنویسید. منتظریم برویم بالا تا کار ادامه داشته باشد. من یک واحد دارم. برادرم هم یک واحد داشت. حاجی مفت به ما داده بود، قیمتش خیلی عالی بود. الان با این قیمت‌ها جایی به کسی مغازه نمی‌دهند».

می‌پرسم: در این شش ماه چه کار کردید؟ «حاج‌آقا نصف پول‌های برخی را داده، بعضی‌ها کامل گرفته‌اند و به بعضی‌ها مغازه داده، به عمده‌فروش‌ها انبار داده. یک‌جوری با همه کنار آمده‌اند. ما خودمان نصف پولمان را گرفتیم و نصف یک مغازه را. به نظر من شهرداری زور می‌گوید. اینها فکر می‌کنند شهر مال خودشان است، حیاط‌خلوتشان است. ۳۰۰، ۴۰۰ تا خانواده ضرر کردیم، از کاسبی و زندگی افتادیم. شب بخوابی، صبح پاشی، خانه‌ات را پلمب یا تخریب کنند، چه حالی می‌شوی؟ چه نامزدی‌ها و ازدواج‌هایی سر این قضیه به‌هم خورده، چون هیچ پشتیبانی نداشتیم. بعضی‌ها خانه پدری‌شان را فروختند و این مغازه‌ها را خریدند و مانده‌اند بلاتکلیف».

کاسب جوان دیگری که در همان‌جا مشغول کار است، می‌گوید: «من یک مغازه بالا خریدم. صبح آمدیم نصفه‌شب گفتند می‌خواهند خراب کنند. بعد هم این حاج‌آقایی که خریدند، جواز داشته، ایرادی از جانب ایشان نبوده که بگوییم خسارت ما را بده. الان هم با گرفتاری داریم اینجا کاسبی می‌کنیم؛ گوشه مغازه دوستمان. اصلا مسئله پول نیست، خیلی‌ها که پولشان را گرفتند، بقیه هم بخواهند پولشان را می‌گیرند».

واکنش میراث فرهنگی به یک گزارش و پاسخ «شرق»

شرق: روز گذشته «شرق» با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «نمایه آماری گردشگری»، گزارشی منتشر کرد با تیتر و روتیتر «گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد/ تراز منفی۶،۵ میلیارد دلاری گردشگری ایران». در همان پاراگراف ابتدایی این گزارش آمده است این تراز منفی مربوط به سال ۲۰۱۲ میلادی، یعنی سه سال پیش است. علاوه‌براین در بخش‌های دیگری از گزارش نیز آمده است: «تحلیل آمار مربوط به سال ۲۰۱۴ هنوز منتشر نشده است». پاراگراف دوم گزارش «شرق» نیز چنین است: «بااین‌حال مجموع آمارهای موجود و محاسبه‌شده در این گزارش حکایت از آن دارد که همه شاخص‌های صنعت گردشگری کشور در خلال سال‌های اخیر- ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ - اگرچه روند فزاینده‌ای را شاهد نبوده، اما با افزایش همراه بوده است».

درعین‌حال و البته در کمال تعجب، بعد از انتشار گزارش «شرق» روز گذشته جوابیه‌ای از سوی روابط‌عمومی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی به «شرق» رسید که گویا واکنشی به این گزارش بود. عنوان انتخاب‌شده برای این جوابیه این‌گونه بود «عوام‌فریبی با انتشار آمار گردشگری ۲۰۱۲» جوابیه مذکور نیز با جمله‌ای به این شرح شروع می‌شد: «برخی از رسانه‌ها که هنوز در آرزوی بازگشت دولت گذشته هستند...» و در ادامه نیز نویسنده جوابیه با شرحی درباره وضعیت صنعت گردشگری کشور پس از آغاز به کار دولت تدبیر و امید، متن خود را با چنین جمله‌ای به پایان رسانده است: «در چنین شرایطی انتشار تیترهای جهت‌دار و منفی و القای منفی‌بودن تراز گردشگری کشور، چیزی جز عوام‌فریبی، دروغ‌گویی و فریب افکار عمومی به شمار نمی‌رود».

اگرچه همان دو نکته ابتدایی، یعنی تیتر و جمله آغازین این جوابیه به اندازه کافی بی‌اطلاعی و کم‌دانشی نویسنده جوابیه را از کار رسانه‌ای و روابط‌عمومی و همچنین جایگاه، سابقه و گرایش روزنامه «شرق» در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور و همچنین سطح آگاهی مخاطبان «شرق» -که به آسانی توان درک این نکته ساده را دارند که آمار سال ۲۰۱۲ ربطی به دولت کنونی ندارد- نشان می‌دهد و همین موضوع حتی لزوم پاسخ‌دادن به آن را منتفی می‌کند، اما از آنجا که این جوابیه در وب‌سایت اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی و دیگر رسانه‌ها منتشر شده، «شرق» بنابر احترامی که به نظر مخاطبان خود می‌گذارد، لازم دید این چند نکته ابتدایی را دراین‌باره منتشر کند. گفتنی است تاکنون «شرق» با انتشار چندین گزارش مختلف از بهبود و ارتقای وضعیت صنعت گردشگری کشور پس از آغاز به کار دولت تدبیر و امید نوشته است.

متن این جوابیه که با امضای رئیس مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی برای «شرق» ارسال شده به این شرح است:

عوام‌فریبی با انتشار آمار گردشگری ۲۰۱۲

برخی از رسانه‌ها که هنوز در آرزوی بازگشت دولت گذشته هستند آمارهای منتشره از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مورد تراز منفی گردشگری ایران در سال ۲۰۱۲ را به‌عنوان تیتر درشت خود انتخاب کرده و به مخاطبان خود چنین القا کرده‌اند که این تراز منفی در دولت تدبیر و امید اتفاق افتاده است.

گزارش رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تصریح می‌کند که در سال ۲۰۱۲ تعداد گردشگران ورودی سه‌میلیون‌و ۸۳۴ هزار نفر و درآمد حاصل از جذب این گردشگران یک‌میلیاردو ۱۱۴ میلیون دلار آمریکا بوده است و مخارج گردشگری خروجی بالغ بر هفت‌میلیاردو ۸۱۷ میلیون دلار بوده است و تراز منفی بالغ بر شش‌میلیاردو ۴۰۳ میلیون دلار بوده است.

این در حالی است که با روی‌کارآمدن دولت تدبیر و امید و رویکرد مثبت بین‌المللی ایران و به‌ویژه پیشرفت موفقیت‌آمیز مذاکرات ۱+۵، رویکرد دنیا به سمت ایران در دو سال اخیر تغییر محسوس پیدا کرده، به‌گونه‌ای که در تابستان سال ۱۳۹۳ برای اولین‌بار طی سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تراز گردشگری ایران به نفع گردشگران ورودی به کشور مثبت شد.

همچنین فاصله کلی گردشگران ورودی و خروجی طی دوسال اخیر به شدت کاهش پیدا کرد. به‌گونه‌ای که ظرفیت اغلب هتل‌های چهار و پنج ستاره کشور که مورد تقاضای گردشگران خارجی است همواره پر بوده و روند ورود قطارهای گردشگری، افزایش تورهای گردشگری، افزایش صدور ویزا در بسیاری از کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور، به‌ویژه کشورهای اروپایی کاملا محسوس بوده است.

همچنین بررسی‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۴ شاهد یک شوک ورود گردشگر به کشور خواهیم بود و آمارها حکایت از آن دارد که بخش گردشگری کشور از رکود سال‌های دولت قبل بیرون آمده و به دوره رونق و شکوفایی وارد شده است.

در چنین شرایطی انتشار تیترهای جهت‌دار و منفی و القای منفی‌بودن تراز گردشگری کشور، چیزی جز عوام‌فریبی، دروغ‌گویی و فریب افکار عمومی به شمار نمی‌رود. عاملان انتشار چنین تیترهایی بدانند که مردم، بهترین شاهدان و قضاوت‌کنندگان وضعیت گردشگری کشور هستند و رونق اقتصادی در بخش‌های مختلف صنعت گردشگری برای عموم مردم قابل لمس و درک است.

نوبت دوم

آگهی خرید و تملک اراضی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان قزوین(سهامی خاص)

شرکت گاز استان قزوین در نظر دارد جهت احداث ایستگاه TBS روستای صادق آباد، واقع در بخش آبگرم، با استفاده از اختیارات حاصله از مفاد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای محترم انقلاب، و سایر مقررات مرتبط، قصد تصرف و تملک قانونی یک قطعه زمین به ابعاد ۱۲×۹ مترمربع جمعا به مساحت ۱۰۸ مترمربع طبق نقشه/ کروکی ذیل را دارد.

به همین منظور به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مدعی حق / مالکیت ابلاغ می گردد جهت کسب اطلاع و رفع هرگونه ابهام با همراه داشتن اصل سندمالکیت ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ انتشار اولین آگهی به دفتر حقوقی این شرکت واقع در قزوین، خیابان نواب شمالی، مجتمع ادارات، جنب دانشگاه آزاد اسلامی، ساختمان مرکزی شرکت گاز استان قزوین، طبقه سوم، امور حقوقی، مراجعه نمایید بدیهی است در صورت استنکاف از واگذاری و نیز عدم مراجعه در مهلت مقرر، برابر قوانین ومقررات اقدام خواهد شد.

روابط عمومی شرکت گاز استان قزوین

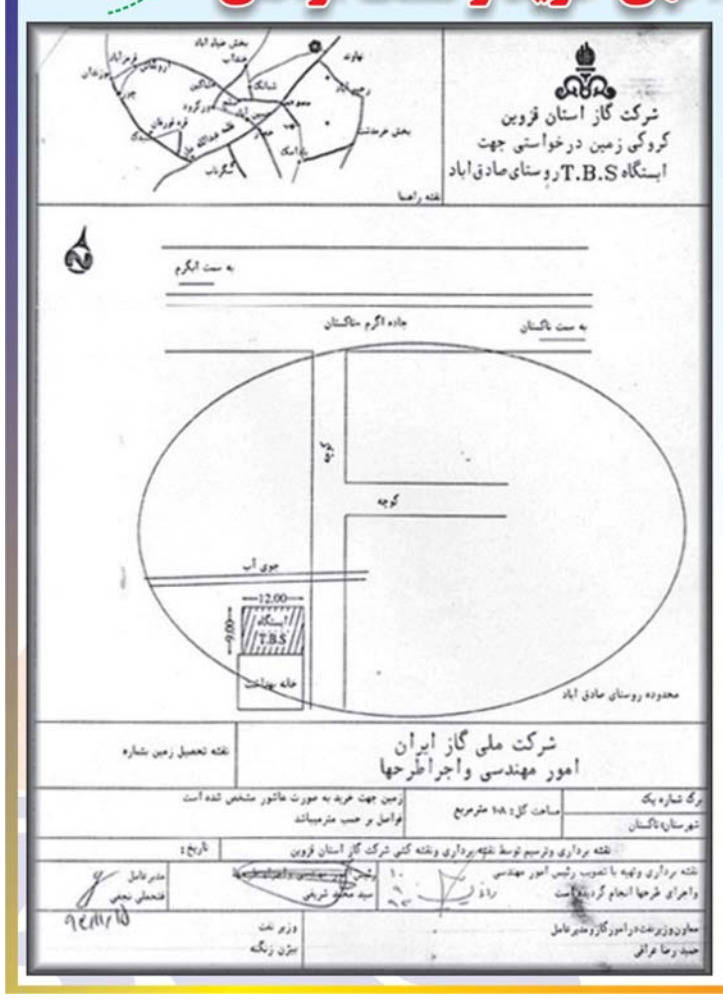

تک خبر

قالیباف: «اوین» پارک می‌شود

● **ایسنا:** محمدباقر قالیباف شهردار تهران با اشاره به مذاکره با رئیس قوه‌قضائیه در دو ماه قبل،گفت: پیشنهاد ما برای تبدیل ندامتگاه اوین به پارک از سوی قوه‌قضائیه بررسی شد و قرار است بخشی از هزینه تبدیل زندان اوین به پارک از سوی شهرداری تهران تقبّل شود تا مجموعه اوین را به پارک عمومی تبدیل کنیم.

ادامه از صفحه اول

عمق بحران را به مردم اطلاع دهید

... و تعداد سدها ۳۰ برابر و پیشی‌گرفتن توسعه از حفظ منابع تجدیدناپذیر یکی از دلایل اصلی بحران آب در ایران است. بین ۷۵ تا ۸۰ درصد آب تجدیدپذیر خود را از دست داده‌ایم و اگر همین‌طور پیش برویم، طی سه، چهارسال آینده، در همه شهرها جیره‌بندی آب قطعی خواهد شد و دسترسی اکثر شهروندان به آب شیرین محدود.

جنگ برای آب ممکن است هنوز در کلان‌شهرها به‌وضوح حس نشود، هرچند افت فشار را همه تجربه کرده‌اند، اما در شهرستان‌ها و روستاهای مرکزی ایران از مدتی پیش آغاز شده است. خبرنگار ما سال گذشته در سفری به اصفهان، از زدوخورد اهالی چند روستا در شرق اصفهان برای گرفتن سهمی بیشتر از پساب جاری در بستر خشک‌شده زاینده‌رود خبر آورده بود. در آن سفر، جمعی از اهالی روستای «تیمیارت» برای قطع‌نکردن سهمشان از پساب جاری، از خبرنگار خواسته بودند صدایشان را به مسئولان برساند.

نقش رسانه‌ها در انتقال این مفهوم که «تهمانده آب موجود در کشور را مصرف می‌کنیم»، حیاتی است و هرروز بیش از روز قبل باید بکوشیم عمق این بحران را به مردم نشان دهیم. لازم است همه ایرانیان ریاضت آب در بخش خانگی را آغاز کنند.

ادامه از صفحه ۱۱

آب نداریم! تمام شد

۱- کاهش سطح زیر کشت اراضی کشاورزی در مناطق بحرانی و یا اجرای طرح نکاشت که درحال‌حاضر از اهمیت زیادی برخوردار است؛

۲- افزایش بهره‌وری آبیاری (نسبت وزن محصول به حجم آب مصرف‌شده) که عملی‌ترین، اقتصادی‌ترین و مناسب‌ترین روش آن در جاهای مختلف فرق می‌کند؛

۳- افزایش عملی راندمان آبیاری در سطح اراضی کشور که درحال‌حاضر بسیارپایین است (تقریبا ۳۵درصد)؛

۴- استفاده گسترده از روش‌های آبیاری تحت‌فشار با تکیه بر افزایش بهره‌وری آب و هم‌زمان جلوگیری از افزایش سطح زیر کشت ناشی از کاهش مصرف آب؛

۵- افزایش واردات «آب مجازی» در قالب واردات محصولات کشاورزی که یکی از راه‌های بسیارمؤثر برای کاهش فشار بر منابع آب است؛

۶- استفاده از پتانسیل بالای فاضلاب تصفیه‌شده شهرها برای آبیاری اراضی کشاورزی که سال‌ها موردغفلت واقع شده است؛

۷- عدم کاشت محصولات پرآب مانند ذرت، برنج، هندوانه، گوجه‌فرنگی، خیار سبز و... و عدم کاشت محصولات تابستانه؛

۸- اجرای گسترده طرح‌های آبخیزداری و استحصال آب باران برای تغذیه منابع آب زیرزمینی؛

۹- شناسایی و کاشت ارقام گیاهی مقاوم به کم‌آبیاری و تنش‌های کم‌آبی؛

۱۰- گسترش کشت زمستانه به‌منظور بهره‌برداری بیشتر از بارندگی در مناطق مساعد؛

۱۱- قیمت‌گذاری مناسب آب و فروش آن به‌منظور استفاده بهینه از آب در آبیاری؛

۱۲- اجرای طرح پایش رطوبت خاک مزارع کشاورزی برای تعیین زمان بهینه آبیاری در کشت‌های مختلف با همیاری دانش‌آموختگان آبیاری؛

۱۳- نظارت و جلوگیری از حفر چاه‌های غیرمجاز و پرکردن چاهای غیرمجاز موجود؛

۱۴- یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی خرد و اجرای آبیاری مدیریت‌شده در سطح کلان؛

۱۵- استفاده از تجربیات کارشناسان زبده در سطح ملی و بهادادن به نظریات آنها؛

۱۶- انتقال و اجرای تجربیات ارزشمند سایر کشورهای موفق در زمینه مهار بحران آب در کشاورزی؛

۱۷- ارج‌نهادن به تحقیقات مرتبط به آب و آبیاری و ترویج نتایج تحقیقات در مزارع کشاورزی کشور؛

به‌هرحال «آب‌رفته به جوی دیگر بازنمی‌گردد» و گرچه بسیار دیر شده ولی هنوز روزنه امیدی باقی است برای فردایی که ترنم نوای آب در سایه مدیریت یکپارچه منابع آب و ارج نهادن به اصول «اخلاق آب» در مصارف مختلف کشاورزی و شرب به گوش برسد.

***دکترای آبیاری و حفاظت آب (دانشگاه کپنهاگ-دانمارک)**

خبر

مدیرکل تجهیزات پزشکی سازمان غذا و دارو:

رشد ۱۵ میلیون دلاری صادرات تجهیزات پزشکی

● **مهر:** مدیرکل تجهیزات و ملزومات پزشکی سازمان غذا و دارو، در آستانه برگزاری هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات پزشکی و دارویی ایران‌هلث، اظهار کرد: این نمایشگاه محلی برای عرضه محصولات و توانمندی‌های شرکت‌های داخلی در حوزه تجهیزات و ملزومات پزشکی است. وی گفت: این رشد و توسعه نمایشگاه، بیشتر متوجه شرکت‌ها و تولیدکنندگان داخلی است. به‌طوری‌که امسال شاهد افزایش ۳۷ درصدی حضور شرکت‌های داخلی در نمایشگاه ایران‌هلث هستیم. صفوی همچنین از رشد ۱۱ درصدی شرکت‌ها و نمایندگان کمپانی‌های خارجی در نمایشگاه امسالِ ایران‌هلث خبر داد و افزود: در نمایشگاه امسال، قرار است هیأت ژاپنی، در رأس ۳۰ شرکت تجهیزات پزشکی و دارویی، حضور داشته باشند و نشست‌های مشترکی با مدیران شرکت‌های ایرانی برگزار کنند. مدیر کل تجهیزات و ملزومات پزشکی سازمان غذا و دارو، حضور هیأت ژاپنی در نمایشگاه ایران‌هلث را بازتاب فضای سیاسی حاکم بر دنیا دانست و گفت: کمپانی‌های خارجی راغب هستند برای مشارکت در حوزه تجهیزات پزشکی و دارویی، با ایران همکاری داشته باشند. صفوی از رشد ۱۵ میلیون دلاری صادرات تجهیزات پزشکی ایران، در مقایسه با سال گذشته خبر داد و گفت: میزان صادرات کشور در این حوزه به ۳۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

پزشکیِ قانونی اعلام کرد:

مرگ هزار شهروند بر اثر مسمومیت

● **ایسنا:** پزشکیِ قانونی اعلام کرد: در سال گذشته یک‌هزارو ۳۰ نفر، شامل ۶۶۳ مرد و ۳۶۷ زن در اثر مسمومیت با سم، جان خود را از دست داده‌اند. در سال گذشته استان‌های تهران با ۲۶۷، مازندران با صد و فارس با ۷۷ فوتی، بیشترین و استان‌های بوشهر با سه، خراسانِ شمالی، کهگیلویه‌وبویراحمد، مرکزی و یزد هر کدام با چهار و استان‌های سمنان و سیستان‌وبلوچستان هرکدام با پنج فوتی، کمترین آمار تلفات را داشته‌اند، ضمن آنکه استان خراسانِ جنوبی، هیچ مرگی در اثر مسمومیت با سم نداشته است. در سال گذشته (۱۳۹۳) در بین سموم، آنچه بیشترین سهم را در مرگ افراد داشت، قرص برنج بود، به‌نحوی‌که در این مدت ۶۱،۷ درصد از کل تلفات مسمومیت با سم را به خود اختصاص می‌دهد، پس از آن، به‌ترتیب سموم دفع آفات نباتی، الکل، سیانور و جونده‌کش‌ها، در رتبه‌های بعدی مرگ در اثر مسمومیت با سم قرار می‌گیرند. در سال گذشته ۶۳۶ نفر در اثر مسمومیت با قرص برنج در کشور جان خود را از دست دادند، این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات ۶۶۱ نفر بود، ۳،۸ درصد کاهش یافته است. در این مدت ۳۷۶ مرد و ۲۶۰ زن، در اثر مصرف قرص برنج جان باخته‌اند. این در حالی است که تعداد مردان فوت‌شده در اثر مصرف قرص برنج در سال ۱۳۹۲، ۳۸۲ و تعداد زنان ۲۷۹ نفر بود.